پديده تكفير

پديده تكفير

دكتر حسن جوادي نيا[1]

مهسا ميرزاجاني هرندي[2]

چكيده

در اين مقاله تلاش بر اين گشته تا ابتدا تكفير را كه يک معضل فكري در جهان اسلام مي باشد در لغت و اصطلاح به خوانندگان اين مطلب معرفي كنيم. همچنين خطراتي كه اين پديده براي اسلام داشته و سبب خدشه دار شدن چهره ي اسلام در ميان جوامع گشته ، توسل به آيات قرآن، روايت ها و نيز نويسنده هاي معتبر كه در اين زمينه تحقيقاتي را انجام داده اند، بررسي تكفير از ديدگاه شيعه و اهل سنت ،ويژگي هاي اجتماعي، سياسي، عقيده اي تكفير، ذكر پيشينه اي از تكفير در زمان هاي پيامبر اسلام (ص) و حضرت علي (ع) ، چگونگي به وجود آمدن اين گروه ها از ابتدا تا به اكنون ، هدف تكفيري ها ، معرفي سير جريانات سياسي آن و تروريسم ،بعد از بيان ويژگي هاي اين اصل ،كليتي از ميزان چگونگي عملكرد تكفيري ها ،شخصيت و عقايدي كه رهبران تكفيري داشته اند تنها نه نفر از آن ها براي آشنايي بررسي شده است، از جمله چگونگي جذب نيروهاي خود با القاي عقايد نادرست و دادن وعده هاي دروغين بهشتي ،كه براي جذب آن ها تلاش كرده اند و در پايان راه حل تعديل و اصلاح انديشه ي تكفيري را به بحث گذاشته ايم .

كليد واژه ها : تكفير ، پيشينه تكفير ،رهبران تكفيري ، تكفير و تروريسم ،جريان هاي تكفيري.

مقدمه

انقلاب اسلامی، پشتوانۀ واقعي و دلسوز تمامي مسلمانان، همواره در راستاي هدايت امت اسلامي تلاش می‌كند تا مسلمانان و علماي اسلام با هر مذهب و مسلكی، به عمق مسألۀ انسجام و نياز ضروري آن در جامعه پي برده و تمام امكانات خود را در اين راه بسيج نمايند تا نابسامانی‌ها و چالش‌هاي جدّي كه مسلمانان با آن رو به رو مي باشند، از بين برود. بنابراين عموم مسلمانان به ويژه علماي بزرگ بايد از اين فرصت پيش آمده، بيشترين استفاده را بنمايند. امّا متأسفانه گروهي بسيار اندك ولي با امكانات فراوان، با ايجاد زمينه‌هاي بدبيني و اختلاف، درصدد تكرار اشتباه‌هاي تاريخي مي باشند، به گونه اي كه گويا هيچ وظيفۀ ديگري جز تلاش و فعاليت براي اختلاف و نابودي يكديگر بر عهده آنان نهاده نشده است.

آنان اين حركت ناميمون را از راه‌هاي گوناگون از جمله سخنرانی، فيلم و استفاده از ابزار صوتي و تصويري در جهت فتنه و آشوب استمرار می‌بخشند. (ص 7.فتواي تكفير.رجبي، حسين)

قرآن كريم سوره آل عمران، آية ۱۴۰ می‌فرمايد:

«إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ»؛ اگر به شما آسيبي برسد، به آنان نيز آسيبي مانند آسيبي كه رسانده‌اند، می‌رسد.

تاريخ نشان مي دهد كه درگيري هاي مذهبی، به نابودي و در نهايت پشيماني اختلاف انگيزان انجاميده است. آيا ايجاد زمينه‌هاي نزاع و درگيري بين مسلمانان، تخريب چهرة اسلام در سطح بين‌الملل را در پي نخواهد داشت؟ آيا خشونت و درگيری‌هاي فيزيكي بين مسلمانان، زمينة حضور دشمنان اسلام را در بين كشورهاي اسلامي ايجاد نخواهد كرد؟

بدون ترديد دشمنان اسلام به ويژه آمريكا، از اين نوع برخوردها بهترين استفاده را مي برند. (ص 8 و 9 همانجا)

تكفير در لغت و اصطلاح

تكفير كلمه‌اي عربي از ماده «ك ـ ف ـ ر»، در اصل به معناي پوشيدن و پوشاندن است، ولي در عربي و فارسي به معاني گوناگوني به كار رفته (فيومي؛ فيروزآبادي؛ معلوف، ذيل «كفر»؛ دهخدا، ذيل واژه) كه بر پايه آن‌ها در قرآن و احاديث و منابع كلامي و فقهي چند مفهوم مصطلح يافته است، از جمله پاك كردن گناهان و ابطال عقاب، (بهابن ابي الحديد، ج ۱۳، ص ۱۳۲؛ مجلسي، ج ۵، ص ۳۳۲، ج ۶۸، ص ۱۹۷) پرداختن كفّاره سوگند و مانند آن (حرّعاملي، ج ۱۲، ص ۲۹۰؛ الموسوعة الفقهية، ج ۱۳، ص ۲۳۵ـ۲۳۶) و كافر خواندن كسي (فيومي؛ فيروزآبادي؛ معلوف، همانجا‌ها؛ غديري، ذيل «تكفير») يا نسبت كفر دادن به مسلمان. (محمود عبدالرحمان عبدالمنعم، ذيل «تكفير»؛ الموسوعة الفقهية، ج ۱۳، ص ۲۲۷)

تكفير به معني نسبت دادن كفر به شخص يا گروه در قرآن كريم مصاديق متعددي دارد، از جمله كساني كه حضرت مسيح (ع) را خدا پنداشتند (مائده: ۱۷، ۷۲، ۷۳) و افرادي كه به مردم جادوگري مي‌آموختند (بقره: ۱۰۲) تكفير شده‌اند.

واژه تكفير، مصدر باب تفعيل از مادة "كفر" است. در معاجم لغت براي اين واژه چندين معنا گفته شده است. ابن منظور در لسان العرب مى‌گويد: اصل كفر پوشاندن شئ است. كافر را كافر مى‌گويند، چون كفر، ي قلب او را پوشانده است. تكفير آن است كه كسى به برادر مسلمان خود بگويد: ايكافر. در اين صورت، كفر به يكى از آن دو نفر برمى‌گردد؛ زيرا نسبت دادن كفر به برادر مسلمان يا راست است و يا دروغ؛ اگر راست گفته كه خوب و اگر دروغ گفته، به واسطه تكفير برادر مسلمان، كفر به خود وي برمى‌گردد. وي همچنين تكفير را به معناي پوشاندن محارب در سلاح، پوشاندن گناهان از طريق كفارات، نهادن دو دست بر روي سينه وانحناي انسان همانند كسانى كه از روي تعظيم در برابر صاحب خود خم مى‌شوند، آورده است .

(ابن منظور،5 /146 _ 150)

تكفير در معنى مصطلح مورد بحث، نسبت دادن كفر به ديگري و كافر شمردن او است. (زيدي، 14/60 _62)

پديده تكفير و خطرات آن براي جامعه اسلامي

پديده تكفير به يک خطر براي همه جامعه اسلامي تبديل شده است؛ چرا كه تكفيري‌ها، عليه مردان، زنان و كودكان بيگناه جنايت‌هاي وحشيانه‌اي را مرتكب مي‌شوند. اين مسأله سبب شده است كه سيماي اسلام نزد ديگران خدشه دار شود و به خاطر شرايط ناگواري كه اين پديده در چند كشور اسلامي رقم زده است،

اسلام دين خشونت و تروريسم معرفي شود.

اين جريان نامبارک، به صورت تکفير کساني که کافر نيستند و گمراه انگاري کساني که گمراه نمي‌باشند، شايد به برخي از مراکز حوزوي شيعي دوازده امامي نيز راه يافته باشد. اين‌ها برخي از جزئيات اعتقادي و تاريخي را از ضروريات دين و مذهب قلمداد کرده‌اند، در حالي که قدما نيز در اين باره اختلاف نظر داشته‌اند. (علامه مرجع سيد محمد حسين فضل ا([1]

آيت ا محمدجعفر مروجي طبسي، استاد و نويسنده حوزوي در گفتگو با خبرنگار انديشه خبرگزاري شبستان در خصوص نوع برخورد پيامبر اسلام (ص) با پديده تکفير اظهار کرد: پديده تکفير، امري است بسيار پليد و زننده که هرگز با روح اسلام و قرآن و نبوت جهاني پيامبر اکرم (ص) سازگاري ندارد چنانکه خداوند در قرآن کريم سوره انبياء آيه 107 مي فرمايد:

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ»؛ و ما تو را نفرستاديم مگر رحمتي براي جهانيان. وي تاکيد کرد: مطابق منابع روايي اهل سنت و شيعه، پيامبر (ص) مسلمانان را از تکفير يکديگر نهي مي کردند و در برخي روايات نقل شده است: من کفّر مسلماً فليس بالمسلم؛ هر کس مسلماني را تکفير کند، مسلمان نيست.

مولف کتاب "تمسک اهل بيت (ع) به قرآن کريم" با بيان اينکه همچنين در روايت ديگر از پيامبر (ص) نقل شده است که تکفير اهل قبله هم جايز نيست.مولف کتاب "رجال شيعه در صحاح اهل سنت" يادآور شد: امروز متاسفانه تکفيري ها با پخش کليپ هاي ناهنجار تلاش مي کنند بر فکر و انديشه نوجوانان اثرات ضد شيعي مبني بر اينکه شيعه کافر است و کشتن آنها واجب، گذاشته و با اين بهانه هاي واهي امروز به جان نه تنها شيعه، بلکه مسلمانان عراق و لبنان و افغانستان و آفريقا و يمن افتاده و به اسم اسلام نسل کُشي مي کنند؛ سنتي که هرگز در سيره پيامبر (ص) ديده نشد و جايگاهي نداشت . [2]

شبکه الميادين به دنبال علل پيدايش انديشه تکفيري:

از سال 2012 ميلادي نزديک به 117 اردوگاه براي آموزش گروه هاي تکفيري بر پا شده است که از اين تعداد 11 اردوگاه ويژه آموزش کودکان مي باشد. پديده سلفي گري و تکفير از زمان خوارج آغاز شده و با گذر از " ظاهريه و ..." به سازما ن هاي تکفيري - جهادي امروز منتقل شده است. عوامل سياسي ، اجتماعي و اقتصادي در گسترش جنبش هاي تکفيري نقش داشته و دخالت کشورهاي غربي در کشورهاي اسلامي به

ويژه اشغال افغانستان و عراق ، فرصت طلبي گروه هاي تكفيري را در پي داشته است. بر اساس پيش بيني ايالات متحده آمريكا ، تعداد مسلمانان خارجي حاضر در سوريه 20 هزار نفر است كه از 90 كشور جهان وارد اين كشور شده اند. داعش با بهره مندي از ايدئولوژي گروه "القاعده" و روش هاي جاسوسي ارتش بعث توانسته است تا كنون به اهداف خود نزديک شود. [3]

آياتي از قرآن كريم كه به صراحت در مورد تكفير سخن به ميان آوره است

در سوره حجرات آمده است:

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ سوره حجرات/آيه14

اعراب باديه‌نشين به تو گفتند: ايمان آورديم. بگو: نه، هنوز ايمان نياورده‌ايد و بايد بگوييد اسلام آورديم؛ چون هنوز ايمان در دل‌هاي شما داخل نشده‌ است.

ايمان، مرحله بالاتري است كه بايد عقيده به خدا و رسالت، در سراسر وجود انسان و قلب انسان جا بگيرد.

در تفسير قرطبي آمده است :

و أما الاسلام فقبول ما أتي به النبي صلي ا عليه و سلم في الظاهر و ذلك يحقن الدم. (تفسير قرطبي، جلد16، ص348)

يعني كسي كه در ظاهر شهادت به توحيد و رسالت بدهد، اسلام آورده است و باعث مي‌شود كه خون انسان، محترم باشد و كسي حق تعرض به او را نداشته باشد.

ابن كثير دمشقي سلفي - رهبر فكري وهابيت و از دوستان نزديک ابن تيميه - در ذيل همين آيه صراحت دارد:

افرادي كه گفتند ايمان آورديم و خدا فرمود: نه، اسلام آورديد، نشان مي‌دهد كه ظاهر اسلام آوردن

اينها كافي است تا خون و مال و عرض اينها محترم باشد و منافق نبودند و مسلمان بودند. ولي چون ايمان به قلبشان نفوذ نكرده بود، خداوند فرمود كه نگوييد ما مؤمن هستيم و بگوييد ما مسلم هستيم. (تفسير ابن كثير، ج4، ص234)

فوا ما قتل رسول ا صلي ا عليه و سلم أحدا قط إلا في إحدي ثلاث خصال: رجل قتل بجريرة نفسه فقتل أو رجل زني بعد إحصان أو رجل حارب ا و رسوله و إرتد عن الاسلام.

قسم به خدا! رسول ا صلي ا عليه و سلم كسي را نكشت، مگر در سه مورد : مرد شوهرداري كه زنا كرده باشد، كسي كه انسان بي‌گناهي را كشته باشد، كسي كه مرتد شده باشد و به مبارزه با خداوند و رسولش برخيزد. (صحيح البخاري، ج8، ص43)

گرچه اين شهادتين، دروغين بود و بعدا از آن برگشت و جسارت خيلي بدي به نبي مكرم (صلي ا عليه و آله و سلم) كرد و در جنگ بدر از كساني بود كه به دستور پيامبر اكرم (صلي ا عليه و آله و سلم)، با وضع فجيعي كشته شد. ولي پيامبر اكرم (صلي ا عليه و آله و سلم) با مجرد اظهار شهادتين، از طعام او خورد و او را به عنوان مسلمان حساب كرد.

من نكته‌اي را به برادران وهابي و كساني كه آزاد انديش و دنبال حق هستند، بگويم كه نبي مكرم (صلي ا عليه و آله و سلم) با اظهار شهادتين يک نفر - با اين‌كه لقلقه زبان بود - از طعام آنها خورد. اين آقايان مفتيان عربستان سعودي و لجنه إفتاء عربستان سعودي كه وقتي از آنها سوال مي‌كنند حكمتان درباره شيعيان چيست وقتي يا علي و يا حسين مي‌گويند؟ فتواي رسمي دادند بر اين‌كه شيعيان كافر هستند و تزويج و تزوّج با آنها حرام است و ذبيحه آنها حرام است و اگر يک شيعه، گوسفندي را بكشد، اين گوسفند، ميته است و نجس است و كسي حق خوردن آن را ندارد. حتي اگر كسي از روي ندانستن يا فراموش كردن مسئله، با يک شيعه ازدواج بكند – دختر يا پسر – احتياج به طلاق ندارد و موظف است از آنها جدا شود. (استفتائات لجنه ، ج18، ص 295 تا 315)

پيشينه تكفير در جهان اسلام :

پيشينه تكفير در جهان اسلام، به صدر اسلام بازمي گردد. برخي حوادث مهم تاريخ اسلام به سبب تكفير روي داده، همچنان كه برخي رخدادهاي سياسي و اجتماعي، زمينه تكفير را فراهم آورده است. از جمله رويدادهاي مهم دوران پس از رحلت پيامبر اكرم، جنگهاي «رِدّه» در زمان ابوبكر بود كه در اين جنگ‌ها دستگاه خلافت معارضانِ خود را كافر و خارج از دين خواند. (طبري، ج ۳، ص ۲۵۰ـ۲۵۲؛ ابن اعثم كوفي، ج ۱، ص ۱۵ـ ۱۶، ۲۳؛ سيوطي، ص ۶۹ـ۷۱) در باره اينكه واقعاً تمامي يا بعضي از كساني كه در آن دوره تكفير شده‌اند، از ديدگاه فقه اسلامي كافرند يا خير، ترديد جدّي وجود دارد و برخي گزارش‌هاي تاريخي ترديدهاي بسيار در اين باره، حتي ترديد افراد نزديک به خليفه، را نشان مي‌دهد. (جعفريان، ج ۲، ص ۳۵) بنا بر برخي منابع تاريخي، عواملي مانند ندادن زكات و نپذيرفتن اصل خلافت يا در نظر گرفتن كساني ديگر براي اين مقام، در انتساب كفر به «اهل رِدّه» يا دست كم دسته‌هايي از آنان نقش مهمي داشته است. (ابن قتيبه، ج ۱، ص ۳۴؛ نوبختي، ص ۴؛ ابن اعثم كوفي، ج ۱، ص ۱۶، ۲۰؛ جعفريان، ج ۲، ص ۲۹) البته ادعاي پيامبري نيز در ميان آنان بسيار گزارش شده است كه مي‌تواند تكفير را از ديدگاه فقهي توجيه كند. (طبري، ج ۳، ص ۲۵۶؛ جعفريان، ج ۲، ص ۲۹ـ۳۲)

واقعه مهم تاريخي ديگر در باره تكفير، غائله خوارج است. بسياري از فرقه‌هاي خوارج كسي را كه مرتكب يكي از گناهان كبيره مي‌شد، و حتي امت پيامبر (ص) را، تكفير مي‌كردند. (شهرستاني، ج ۱، ص ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۳۵؛ ابن ابي الحديد، ج ۸،) در مقابل، بعضي از مسلمانان، از جمله برخي مذاهب اهل سنّت، خوارج را تكفير مي‌كردند. (شوشتري، ص ۲۲۱) در احاديث، غاليان يا غُلات (آنان كه در باره شخصيت امامان(ع) غلوّ و زياده روي مي‌كردند) و قائلان به تفويض (مفوّضه) خارج از ايمان خوانده شده‌اند. (حرّعاملي، ج ۲۸، ص ۳۴۸؛ مجلسي، ج ۲۵، ص ۲۶۵) بعضي از معتزله و اشاعره، مشبّهه را تكفير مي‌كردند. (ابن طاووس، ج ۲، ص ۳۵۵)

علاوه بر گروه‌ها، افراد و شخصيت‌هاي متعددي، چه بسا بعضي اشخاص سرشناس، را تكفير كرده‌اند، از جمله درباره تكفير برخي خلفا و همسران پيامبر اكرم (ص) رواياتي نقل شده است. (ابن ابي الحديد، ج ۳، ص ۵۰؛ ابن طاووس، ج ۱، ص ۲۹۲) حتي ساحت مقدّس معصومان (ع) نيز از تكفير بر كنار نمانده است. (مفيد، ص ۳۱۳؛ شوشتري، ص ۱۹۳؛ مجلسي، ج ۳۷، ص ۱۵)

چند ويژگي بنا به شناخت پديده تكفير :

1_محور قرار دادن «تكفير» در معاملات و تعاملات و گسترش عرصه آن .

اين ويژگي عنصر اصلي اين پديده و شالوده اساسي آن را تشكيل مي‌دهد و به همين دليل چنين جايگاهي يافته است. حقيقت آن است كه محور قرار دادن «تكفير» مبتني بر هيچ گونه انديشه‌اي نيست و كم‌ترين خردورزي در آن به كار نرفته و اگر بر فرض بپذيريم كه مبتني بر ايده و انديشه‌اي است در واقع، نوعي از انديشه است كه از متون ديني، قالب‌هاي خشكي مي‌سازد كه هيچ چشم اندازي را نمي‌بينند و هيچ هدف شرعي را آماج خود قرار نمي‌دهد.
در ذيل، رواياتي از پيامبراكرم صلي‌الله‌عليه‌وآله كه دلالت بر نهي شديد آن حضرت صلي‌الله‌عليه‌وآله از «تكفير» گوينده «لااله الاالله» يا «اهل قبله» دارد، بيان مي‌گردد:

هركس برادرش را «اي كافر!» خطاب كند اگر درست گفته بود يكي از آن دو، گرفتار پيامدهاي آن مي‌شوند و در غير اين صورت، به خودش باز مي‌گردد. (مسلم، ج1، ص 79، ح 111).

2_ عدم اعطاي فرصت انديشه و حق اظهارنظر به ديگران .

اصل اول: عدم اجبار در دين.

خداوند متعال مي‌فرمايد: «لا إِكْراهَ فِي الدِّينِ؛ در كار دين هيچ اكراه نيست.» (بقره/256).

اصل دوم: لزوم گوش دادن به سخنان [ديگران] براي پيروي از بهترين آنها.

خداوند متعال مي‌فرمايد: «الَّذِينَ يسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولئِكَ الَّذِينَ هَداهُمُ اللّهُ وَ أُولئِكَ هُمْ أُولُوا الأَلْبابِ؛ كساني كه گفتار را مي‌شنوند آنگاه از بهترين آن، پيروي مي‌كنند، آنانند كه خداوند راهنمايي‌شان كرده است و آنانند كه خردمندانند».(زمر/18).

3_كشتار جمعي

عمليات كشتار جمعي كه گروه‌هاي تكفيري آن‌را به صورت مكرر و فزاينده‌اي دنبال مي‌كنند دربردارنده خصوصياتي است كه اسلام آشكارا و در كمال روشني، از آن‌ها به دور است. اين خصوصيات عبارت است از:
الف: هدف قرار دادن زنان، كودكان و سالمندان و قتل آنها .

ريختن خون كودكان و زنان و سالخوردگان كه گروه‌هاي افراطي همه روزه آن را دنبال مي‌كنند چيزي است كه اسلام به شدت مسلمانان را از آن بر حذر داشته است. پيش از تكفيري‌ها نيز «خوارج» يا گروهي از ايشان دست به چنين كارهايي مي‌زدند؛ «فضل بن شاذان» مي‌گويد: «و از ايشان، يعني خوارج، كساني هستند كه قتل زنان و فرزندان را روا مي‌دارند و مي‌گويند: جايگاه آنان نيز همچون نطفه‌ها در پشت مشركان است. و مي‌گويد: «لا حكم الا ا» و خود در تمامي اين گفته‌ها وكرده‌ها، به نظرخويش عمل مي‌كنند وبنابراين طبق رأي خود، مي‌كشند و حلال و حرام مي‌كنند و با اين حال، خوارج نيز يكسان نيستند و همديگر را مي‌كشند و از يكديگر تبرّي مي‌جويند» (فضل بن شاذان، ص50ـ48).

ب: عدم تفكيك ميان گناهكار كافر و بي‌گناه كافر .

در تاريخ نيز، شاهدي بر اين درهم‌آميزي وجود دارد و خوارج خود چنين بودند.
اين درهم‌آميزي با اصل قرآني كه مي‌گويد: «وَ لا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرى؛ هيچ كس بار گناه ديگري را بر دوش نمي‌كشد» (فاطر/18) كاملاً مخالف است

4_ شركت در مشوه ساختن چهره اسلام

از جمله پيامدهاي فاجعه بار گسترش اين پديده شوم، مشوه ساختن چهره اسلام است. حقيقت آن است كه اعمال خشونت‌آميز تكفيري‌ها، سهم بسزايي در خدشه‌دار ساختن چهره اين دين پاك، داشته است. (نهج‌البلاغه، خطبه 238).

5_ ايجاد تفرقه و پراكندگي ميان مسلمانان .

درگيري ميان فرقه‌هاي اسلامي مخالف قرآن و مغاير با كوشش‌ها و پافشاري‌هاي پيامبراكرم صلي‌الله‌عليه‌وآله در تشكيل امت و برقراري برادري اسلامي ميان افراد آن است.

كافي است تنها به برخي روايات نبوي براي اثبات لزوم وحدت واجتناب از تفرقه، اشاره نمود:

«بر شماست كه با يكديگر آمد و شد و عطوفت داشته باشيد و از گسست و رشك و پشت به يكديگر كردن،

بپرهيزيد و برادر يكديگر باشيد. موءمن، برادر موءمن است؛ به او خيانت نميكند، رها نميكند، تحقير نميكند و گفته مخالف او را نميپذيرد.» (محدث نوري، ج9، ص50ـ49).

معيار اسلام و كفر در سنت

تكفير در روايات شيعه و اهلسنت، مسألهاي بسيار خطرناك معرّفي شده است. پيامبر در اين باره ميفرمايد:

هر كسي نسبت كفر به كس ديگري بدهد كه معيار كفر را ندارد، گويندة آن كافر است. (صحيح بخارى، ج۵، ص ۱۱۱، باب بيان قول النبي صلي ا عليه و آله _رجبي، حسين،ج 1، ص 19)

احاديث معتبر عقيده دارند و آن را مرجع دستورات دين ميدانند، به چه بهانه و عذري اين احاديث را كنار گذاشته و بر خلاف سنّت و سيرة قطعي پيامبر اسلام فتوا به تكفير ميدهند و انسانهاي بيگناه را ميكشند؟!

آنچه از روايات اهلسنت بيان شد، در رواياتي كه از طريق اهلبيت عليهم السلام آمده، به خوبي تبيين و روشن شده است.

امام باقر عليه السلام در پاسخ اسماعيل جعفي كه پرسيده بود : الدين الذي لايسع العباد جهله؟ فرمود:

«الدين واسع، ولكن الخوارج ضيّقوا علي أنفسهم من جهلهم. . . (۱.الكافى، ج ۲، ص ۴۰۵) دايرة دين و احكام آن بسيار وسيع و گسترده است ولي خوارج به خاطر جهالت و ناداني بسيار، آن را تنگ گرفتند.»

مقصود از «دين واسع» اين است كه دين اسلام به گونهاي نيست كه خوارج ميپندارند زيرا آنان هر كسي را كه گناه كبيرهاي مرتكب شود، كافر و اين عقيده را جزو ايمان ميدانند! بنابراين خروج از دين، يعني انديشههايي كه سرچشمة آن، جهالت و ناداني نسبت به عمق اسلام است. (رجبي، حسين،ج 1،ص 23)

ديدگاه اهل‌سنّت :

نووي در شرح مسلم مي‌نويسد:

«اعلم انّ مذهب أهل الحق: انّه لايكفر أحد من اهل القبلة بذنب ولايكفر اهل الاهواء و البدع الخوارج و المعتزله وغيرهم، و انّ من جحد ما يعلم من دين الاسلام ضرورة حكم بردتّه و كفره. . . (شرح صحيح مسلم، ج ١، ص ١٥٠) آگاه باشيد كه نظر صحيح و حق دربار تكفير آن است كه احدي از اهل قبله، به خاطر گناهي تكفير نمي شود؛ چنان كه اهل هوا، بدعت، خوارج، معتزله و غير آنان تكفير نمي‌شوند. و هر كس چيزي را كه از ضروريات دين اسلام است انكار كند، حكم به ارتداد و كفر او مي‌شود.(رجبي، حسين،ج 1، ص 32)

بنا به قول آيت ا سبحاني :

جريان تكفير به دنبال ايجاد حاشيه امن براي اسرائيل است .

آيت‌ا سبحاني گفت: بدون ترديد جريان تكفيري آمده است كه حاشيه امني براي اسرائيل درست كند، مسلمانان بايد امروز آماده باشند كه مسجدالاقصي صدمه و خدشه نبينند.

به گزارش ايسنا، آيت‌ا جعفر سبحاني مرجع تقليد با اشاره به هويت و اهداف شكل گيري جريان تكفير در جهان امروز اظهار كرد: پديده اي كه اكنون به نام پديده تكفير پيدا شده است در واقع به دنبالش قتل، غارت، كشتن و خراب كردن است و اصلا ارتباطي به اسلام و شرايع آسماني ندارد و در تورات، انجيل و قرآن چنين مسئله‌اي مطرح نيست.

اين مرجع تقليد با بيان اينكه اساس اسلام رحمت، مغفرت و آرامش است، گفت: مسئله اول دعوت به اسلام از طريق عقل، قرآن، سنت و اتمام حجت است. اگر افرادي بخواهند در آيين خودشان بمانند، آيين آسماني به آنها اجازه مي‌دهد، بنابراين اينها خودشان را نمي‌توانند به اسلام متصل كنند و پيوند بدهند.

وي با اشاره به اهداف تكفيري‌ها گفت: يک هدف اين است كه زيرساخت هاي كشورهاي اسلامي را به وسيله جنگ از بين ببرند، بنابراين آنچه كه يک كشور بايد دارا باشد را به وسيله جنگ، بمباران، قتل و كشتار از بين مي‌برند.

اين مرجع تقليد خاطرنشان كرد: نكته ديگر اين است كه اينها با تندي ها و سر بريدن ها مي‌خواهند اسلام را بد جلوه دهند.

وي با بيان اين‌كه «غرب در حال پيشروي به سوي اسلام است» گفت: واقعا چيزي نمي‌گذشت كه بخشي از غرب را مسلمانان تشكيل دهند ولي به وسيله اين عمل نوعي بدبيني نسبت به اسلام پيدا شده است، در حقيقت كساني كه پشت سر اينها هستند، به دو نتيجه رسيدند، زيرساخت‌هاي كشورهاي اسلامي به تدريج از بين مي‌رود و ثانيا اسلام در نظر ديگران بد جلوه مي‌كند.

آيت‌ا... سبحاني ادامه داد: اين وظيفه علماي بلاد است كه در هر منطقه‌اي به جوانان بگويند كه اين مسير راه كج است و راه اسلام نيست و اسلام نگفته است كه مسلمان، مسلمان را بكشد، بنابراين بايد توجه داشت يک نوع تبليغاتي نسبت به اينها است تا افكارشان را عوض مي‌كنند و تصور مي‌كنند به سوي اسلامي مي‌روند كه ادامه اش بهشت است.

وي خاطرنشان كرد: حتي يكي از اين افراد دستگير شده، قاشقي همراهش بوده گفتند اين چيست، اين طور بيان مي‌كند كه به او گفته اند كه اگر اين كار را انجام دهيد و امشب كشته شوي، مهمان پيامبر اكرم (ص) هستي و با ايشان غذا خواهي خورد، جواني با چنين تصوراتي بمب به خودش مي‌بندد و ده ها نفر را مي كشد.

اين مرجع تقليد با اشاره به راه‌هاي مبارزه با تكفير گفت: اگر بخواهيم با اين تكفير مقابله كنيم، تنها راه نظامي نيست بلكه در كنار آن، راه فرهنگي بايد وجود داشته باشد.

وي با بيان اين‌كه «مدارسي كه تكفير را تعليم مي دهند بايد تغيير كنند» يادآور شد: برخي از كشورهاي عربي مسائلي را در دبيرستان مطرح مي‌كنند كه نتيجه آن اين است كه جمعي مسلمان و جمعي ديگر كافر هستند مادامي كه اين برنامه ها در اين مدارس است اين فتنه خاموش شدني نيست، مگر اينكه علما و بزرگان جمع شوند و اين برنامه‌ها را از مدارس جمع كنند. [4]

· همايش فرقه شناسي و جريان هاي تكفيري روز چهارشنبه بيست و دوم مرداد ماه سال 1393 در محل سالن پيامبر اعظم (ص) استانداري استان مركزي با حضور مديران و معاونين كاروان هاي حج ، عمره و عتبات و ساير كارگزاران زيارتي برگزار گرديد.

حجت الاسلام دكتر موسوي عليزاده رئيس پژوهشكده حج و زيارت شرايط امروز را نتيجه يک مثلث شومي دانست كه ضلع اول آن را غرب و اسرائيل تشكيل مي دهند و در پي منزوي و محدود كردن اسلام مي باشند و در اين راه به ابزار هايي مانند اسلام ستيزي و اسلام هراسي ، تهيه و نشر كاريكاتورها و حمايت از جريان هاي تكفيري روي آورده اند .ضلع دوم اين مثلث هم شيعياني هستند كه خود به شيعه هراسي از طريق ايجاد شبكه هاي تلويزيوني ماهواره اي و اهانت به مقدسات اهل تسنن دامن زده اند. وي با اشاره به اينكه سبع و لعن و اهانت به مقدسات اهل تسنن از نظر تمامي مراجع تقليد و به ويژه مقام معظم رهبري حرام بوده توجه حاضرين را به رفتار هاي ائمه عليهم السلام جلب نمود و از آنان خواست كه رفتار ائمه را سرلوحه كار خود قرار داده و مراقبت نمايند كه اينگونه افكار و رفتار در سطح كاروان ها بوجود نيايد. رئيس پژوهشكده حج و زيارت ضلع سوم اين مثلث را جريان هاي تكفيري عنوان نمود و افزود: حساب اين گروه ها كه با تمامي مقدسات اسلامي مشكل دارند از حساب شيعه و سني جداست و با توجه به اينكه آنان در اقدام عليه مسلمانان داراي اولويت بندي هايي هستند ، استراتژي آنها را تغيير نقشه جغرافياي خاورميانه عنوان نمود. دكتر شيخاني افزود : از ديگر اقدامات تخريبي فرقه وهابيت تخريب آثار تاريخي و فرهنگي اسلامي از جمله حرم ائمه بقيع ، برخي از مساجد و آتش زدن كتابخانه ها در مكه و مدينه و آثار اسلامي با هدف انكار وجود پيامبر اسلام (ص) است اما پيامبر گران قدر اسلام دو معجزه قرآن و اهل بيت را از خود برجاي گذاشتند كه باعث خنثي شدن اين هدف شده است . [5]

جريان شناسي سياسي.تكفير و تروريسم :

عبدالوهاب با تاثير پذيري از فقهاي پيشين خود امثال ابن تيميه، ابن قيم جوزيه و ابن حزيمه نيشابوري دين جديدي را به وجود آورد كه در ميان پيروانش اشاعه يافت، مباني اين دين جديد به شرح ذيل است:

1. تشبيه خداوند به مخلوقش، اينكه خداوند جسمي است كه به آسمان صعود كرده و به زمين فرود نمي آيد. به خاطر اين ديدگاه پيروان آن «المجسمه» ناميده مي شدند. اين تفكر از مفاهيم كتاب التوحيد ابن خزيمه نيشابوري تاثير پذيرفته است، وي در كتاب خود مدعي شده است كه خداوند داراي روح، چهره، دو چشم، دو گوش، دو دست در طرف راست، انگشتان، كف دست و دو پا است.

نویسنده کتاب در یک سطح احمقانه و خالي از هرگونه تدبر و انديشه در آيات قرآن کريم اين برداشت ها را از قرآن مي کند و نمي داند که مقصود خداوند متعال از ذکر به عنوان مثال دست (يد) در قرآن کريم و نسبت دادن آن به خود همانطور که به خلق خود نسبت مي دهد، قدرت، توان و فرمانروايي است؛ از اين رو تنها بعد از تدبر، تعقل و تعمق در آيه « يدا فوق ايديهم» (فتح 4) مي فهميم که منظور از «يد» قدرت، توان و فرمانروايي و شوکت خدا بالاتر از توان شما قرار دارد.

برخي عناوين و فصول کتاب التوحيد با تعبير فخذ بني شروع مي شود و اين نشان مي دهد که سطح فکر آنها چقدر پايين و فهم آنها از قرآن کريم چقدر ساده و سطحي و توانايي آنها در درک مفاهيم بسيار پايين است.

2. اينکه جسم شمردن خداوند متعال از شروط ايمان است و هر کس در برابر اين تفکر سر تسليم فرود نياورد کافر شمرده شده و قتل، سلب دارايي و به بردگي گرفتن خانواده اش جايز است.

3. تخريب ضريح مقبره ها به اين بهانه که اين اقدام مساوي با بت پرستي است. حرام دانستن توسل و استغاثه به رسول خدا و پيامبران و اولياي صالح خداوند و صدورحکم تکفير و جايز دانستن قتل کسي که به اين امر مبادرت مي ورزد.

4. اعتقاد وهابي ها بر اينکه آنها فرقه نجات دهنده هستند و هرکس جز آنها يا کافر است يا مشرک و يا گمراه و در صورت مخالفت و عدم اطاعت از آنها خون فرد مخالف مباح است. خداوند متعال در اين مورد و در آيات متعدد مي فرمايد: « لا اکراه في الدين قد تبين الرشيد من الغي» (بقره 256) و يا « فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليکفر» (کهف 29) و « أفأنت تُکرِه الناس حتي يکونوا مؤمنين» (يونس 99).

آنچه که بدان دعوت مي کردند دين تفصيلي براي جنبش سياسي به رهبري محمد بن سعود که تنها هدف وي قدرت بود؛ به همين خاطر رياض الصيداوي انديشمند معاصر بر استفاده از عنوان « وهابيت سعودي» به خاطر ارتباط ميان جنبش ديني محمد بن عبدالوهاب با جنبش سياسي محمد بن سعود پافشاري مي کند.

5. ايجاد يک حکومت مطلق ديني که هدف آن تبليغ وهابيت و انتشار آن با قوه قهريه و شمشير است و آن به روشني در نوشته ها و نشانه هاي موجود در پرچم عربستان سعودي نمايان است. آنها عبارت « لا اله الا ا محمد رسول ا» را نوشته و زير اين عبارت تصوير شمشير را کشيده و به وضوح نشان مي دهند که دعوت به دين آنها تنها از طريق شمشير ممکن است. آنها نمي دانند که خداوند متعال لفظ شمشير را حتي يک بار در قرآن کريم ذکر نکرده است و هرگز به پيامبرخويش به استفاده از شمشير و هر گونه قوه

قهريه ديگر جهت نشر دعوتش دستور نداده است؛ چرا كه وي بي نياز از چنين ابزارهايي است و « لو شاء ربک لآمن مَن في الأرض كلهم جميعاً » (يونس 99) و «لو شاء ا لجعلكم أمّه واحده» (نحل 93) تا آنها به رشد و هدايت خويش بازگشته و قلب هاي مهربان را جايگزين شمشير كنند و مصداقي براي سخن بر حقش باشند كه مي فرمايد: « ولو كنتَ فظّا غليظ القلب لأنفضّوا من حولک» (آل عمران 159) و « ادعُ الي سبيل ربّک بالحكمه و الموعظه الحسنه و جدلّهم بالتي هي أحسن» (نحل 125). آيا تصوير قلبي مهربان و لطيف بهتر و مقدم تر از تصوير شمشير، سرنيزه و منجنيق نيست؟!.. آيا با محبت و دوستي، خداوند رحمان مورد عبادت بندگانش قرار نمي گيرد؟! معاذ ا از اينكه خداوند ما را به لبه شمشير فرا خوانده باشد .. آبا آل سعود و پيروان عبدالوهاب و سلفيان نمي خواهند از خواب غفلت بيدار شده و تقواي الهي پيشه كنند؟

جنبش سلفي - وهابي سعودي هر گونه برنامه اقتصادي و اجتماعي را از خود دور كرده است و هيچ بهره اي از آن ندارد؛ چرا كه بر اين باور است كه اصلاح عقيده به تنهايي ضامن اصلاح ديگر امور نيز است و موارد ذيل در نشر و گسترش افكار اين جنبش سهيم است :

- اموال و ثروت هاي فراواني كه عربستان و ديگر ممالک و اميران نفت و گاز اين دوره را به سمت بذل و بخشش هاي فراوان سوق داده است، مسئله اي كه به افتتاح تعداد بي شماري از شبكه هاي ماهواره اي براي ترويج و نشر افكار تكفيري و سلفي به خصوص در مصر كمک كرده و تبديل به منبع كسب ثروت هاي هنگفت شده است. ثروت هايي كه امپراطوران و اربابان تبليغ آن را در انحصار خود درآورده و افزايش چشمگير بودجه باعث شده است كه هر مدعي تبليغي براي خود شبكه ماهواره اي افتتاح كند و آمار اين شبكه ها به ده ها مورد برسد.

- حاشيه آزادي كه در نتيجه سقوط سران رژيم هاي استبدادي و فساد در كشورهاي عربي به وجود آمده است.

- صهيونيسم جهاني و قدرت هاي استعماري غرب به ويژه آمريكا در سايه پيمان مقدسش با نظام هاي قرون وسطايي كشورهاي نفت خيز عربي، در تعامل با پرونده سلفي وهابي گاهي سياست اغماض و چشم پوشي و گاهي سياست حمايت مالي و پشتيباني را در پيش مي گيرد. شواهد جنگ افعانستان كه « مجاهدين» افغاني و عرب و ديگران براي شكست هيمنه اتحاد جاهير شوروي بعد از اشغال آن در سال 1979 وارد آن شدند، همچنان در ذهن مردم زنده است. حمله آمريكا به افغانستان در چارچوب تلاش برنامه ريزي شده جهاني براي مبارزه با تروريسم بود، از اين رو عليه جنگ گروهک القاعده و طالبان شروع شد.

آمريكا و هم پيمانان غربي اش و صهيونيسم جهاني و آنهايي كه پيوند مقدس با آنها دارند در صدد

تكرار تاريخ و رخدادهاي آن هستند؛ چرا كه در آن بركت و نتايج خوبي براي آنها نهفته است. تجربه تفكر جهادي سلفي كه در افغانستان و بوسني و هرزگووين رخ داد، در مالي تكرار شد و امروز در ميدان هايي جديدي (مصر و سوريه) كه منبع تهديد براي رژيم صهيونيستي و ثبات و امنيت آن و مانعي بزرگ در برابر استعمار اراضي جهت تحقق اسرائيل بزرگ يعني از رود نيل تا رود فرات به شمار مي روند، در حال تكرار شدن است و خالي از لطف نيست كه ليبي و تونس نيز به آنها اضافه شود، تونس كه به عنوان نماد انقلاب هاي عربي بود تهديدي براي منافع مثلث مذكور است و كشورهاي ديگر نيز در ليست انتظار قرار دارند.

از عجايب روزگار اين است كه معاهده سايكس پيكو (توافق محرمانه ميان مارك سايكس ديپلمات و نظامي انگليس به عنوان نماينده اين كشور و فرانسوا جرج پيكو ديپلمات فرانسوي به عنوان نماينده فرانسه و سيرگئي سازانوف ديپلمات به عنوان نماينده روسيه تزاري در سال 1916 بود كه طبق اين توافقنامه مناطقي كه تحت عنوان هلال سبز شناخته مي شود ميان انگليس و فرانسه تقسيم مي شود، اين مناطق شامل عراق، سوريه، لبنان، اردن، كويت و فلسطين است) تا اين لحظه روزي هزار بار تكرار مي شود. اگر ديروز سايكس و پيكو در تقسيم جغرافيايي هلال سبز موفق شدند (همانطور كه همكاران آن دو در تقسيم ساير بلاد عرب در مشرق و مغرب موفق شدند) سايكس و پيكوي امروز متاسفانه با سرمايه، نفت، گاز، رسانه و شهروندان ناقص العقل و داراي افكار بيمار – افرادي كه من نسبت به آنها حس دلسوزي و شفقت دارم و آنها قرباني بازي هاي كثيفي هستند كه معادلات آن را افرادي طراحي مي كنند كه جيب هايشان از دلالي نفت و گاز پر است- كشورهاي عربي در صدد تقسيمات مجدد جغرافيايي هستند.

در حال حاضر عراق در آستانه تقسيم به سه كشور كوچك (كشوري در شمال براي كردها، ديگري در مركز براي عرب هاي سني و سومين كشور براي عرب هاي شيعه در جنوب) است. كشور ليبي نيز همين روال را طي مي كند و آنها در صدد تقسيم آن به سه كشور كوچك هستند. امروز مسئله خطرناك تر تجزيه جغرافيايي كشورها نيست بلكه تفرقه افكني و ايجاد اختلاف در دلهاست. اين خطرناكترين مسئله است چرا كه باعث ايجاد تفرقه و جدايي ميان دو برادر، دو همسر و والدين از فرزندان مي شود، با اين بهانه كه اين كافر است، آن يكي شيعه و ديگري سني. [6]

رهبران تكفيري و عمده فعاليت آن ها

در اين نوشتار، تأكيد ما بر معرفي تئوري پردازان و رهبران فكري جريان تكفير از گذشته تا دوران معاصر بود تا از اين رهگذر به بحث در مورد رهبران عملياتي و فرماندهان ميداني اين جريان خطرناك

بپردازد. اگرچه، ممكن است افراد ديگري را نيز بتوان در قالب تئوري پردازان جريان تكفير قرار داد، اما تمركز نگارنده اين سطور بر تاثيرگذارترين افرادي بود كه در حال حاضر كتب، انديشه و آراء آنها بصورت رسمي بين گروه‌هاي مسلح جهادي – تكفيري در حال تدريس و آموزش است و به عنوان مهمترين منابع فكري اين جريان مورد توجه قرار مي گيرد.

- «محمد بن عبدالوهاب»

بدون شک مهمترين منبع انديشه هاي تكفيري در دوران معاصر را بايستي در آراء «محمد بن عبدالوهاب» جستجو كرد. وي در سال 1115 هـ.ق در شهر «عُيينه» عربستان سعودي متولد شد.[7] توجه به اين نكته ضروري است كه انديشه «تكفير» نقطه اتكاي انديشه محمد بن عبدالوهاب و به عبارت بهتر جريان وهابيت است. عبدالوهاب معتقد بود كه هر كشور و شهري كه داخل در اطاعت و دعوت او نشود، در زمره بلاد مشركين به حساب مي‌آيد، از اين فراتر در مورد مذاهب اسلامي معتقد بود كه نه تنها اماميه كافر است، بلكه تمام مسلمين مخالف با عقايد وي از قبيل اشاعره، معتزله و ... نيز همين حكم در مورد آنها اجرا مي شود.[8]

- «شيخ محمد رشيد رضا»

(1865- 1935) در خانواده اي سوري الاصل در اطراف طرابلس لبنان ديده به جهان گشود. او بسيار متأثر از انديشه هاي «سيد جمال اسدآبادي» و «شيخ محمد عبده» در باب اصلاح ديني و زدودن دين از انحرافات بود؛ بگونه اي كه مبارزه طلبي و انقلابي‌گري سيد جمال را با روش فرهنگي و تربيتي عبده تلفيق كرد و همزمان به دليل گرايش شديد به انديشه هاي وهابيت اقدام به تاسيس انجمني به نام «جمعية الدعوة و الارشاد» (انجمن تبليغ و راهنمايي) با هدف امر به معروف و نهي از منكر نمود. رشيد رضا در فتواهاي خود تاكيد بسياري بر مقوله «تكفير» داشت و لذا كساني را كه به شريعت اسلامي عمل نمي كنند در زمره كفار تلقي مي كند.[9] انديشه هاي رشيد رضا اگرچه نتوانست به تنهايي جريان اسلامي مستقلي ايجاد كند، اما بر انديشه افرادي همچون «حسن البنا» موسس اخوانالمسلمين تاثير بسزايي برجاي گذاشت.[10]

- «سيد بن الحاج قطب بن ابراهيم»

معروف به «سيد قطب» (1906-1966) در يكي از روستاهاي استان آسيوط مصر و در خانواده اي مذهبي و سرشناس متولد شد. او ضمن عضويت رسمي در اخوان المسلمين به تئوري پردازي عليه مظاهر بي ديني و سكولاريسم پرداخت كه بعدها انديشه ها و كتب او به يكي از منابع اصلي گفتمان تكفير تبديل شد؛ تا جائيكه او را «آموزگار گفتمان تكفير» در سده بيستم خوانده‌اند.

- «ابو الاعلي مودودي»

(1903-1979م) در « حيدرآباد» هند به دنيا آمد [11] همچنين مودودي معتقد به احياي اصل جهاد اسلامي در برابر نظام مبتني بر اومانيسم غربي بود كه همين اصل از منظر گروه‌هاي تكفيري جواز مقابله با جريان هاي ضد دين به شمار مي آيد. [12]

- «محمد ناصر الدين آلباني»

(1914-1999م) در شهر «اشكودر» پايتخت آلباني در خانواده‌اي متدين و اهل علم متولد شد. [13]آلباني بخاطر پيروي و حمايت وي از «ابن تيميه» و «محمد بن عبدالوهاب» از منابع فكري جريان سلفي تكفيري است كه تفكرات وهابي خود را در كتاب «تحذير الساجد من اتّخاذ القبور مساجد» (كه در آن مطالبي درباره قبور شرک بودن ساخت بناء بر روي آن مطرح مي كند) نوشت كه با استقبال علماي وهابي مواجه شد. علماي وهابيت از البانی به عنوان يک محدث بزرگ و متخصص علم حديث و فاضل دانشمند ياد مي‌كنند و« بن باز» مفتي اعظم عربستان درباره او گفته است كه در زير آسمان داناتر از شيخ ناصر در علم حديث نديده است. آلباني همچنين اهانت‌هاي تندي نسبت به شيعه و علماي تشيع به ويژه امام خميني (ره) دارد. وي همچنين شيعيان را به تحريف در آيات قرآن متهم كرده است.[14] بديهي است كه چنين اعتقادات و فتواهايي به شدت مورد استقبال گروه‌هاي سلفي و تكفيري قرار گرفته و مباني آنها در رفتار و گفتار مي گردد.

- «عبدالعزيز بن باز »

(1910- 1999م) از برجسته ترين علماي معاصر وهابيت است كه نقش مهمي در احياي تفكرات ابنتيميه، ابن قيم جوزيه و محمدبن عبدالوهاب بر عهده داشته است و به همين دليل نزد وهابيان به «مفتي اعظم» مشهور است .[15]

- «ابو محمد عاصم بن محمد طاهر الحافي العتيبي»

ملقب به «ابومحمد المقدسي» در سال 1959م در يكي از روستاهاي برقه (فلسطين) متولد شد[16] شايد بتوان بدون اغراق ابو محمد المقدسي را تئوريسين بلامناظر «سلفيت جهادي» ناميد كه داراي كتب و رسائل عمليه فراواني در اين زمينه است.[17]

- «عمر محمود عثمان»

معروف به «ابوقتاده فلسطيني» در سال 1960م در بيت لحم (فلسطين) متولد شد و در همان دوران طفوليت به اردن مهاجرت كرد.دولت آمريكا ابوقتاده را پدر معنوي عاملان حادثه 11 سپتامبر معرفي مي كند؛ زيرا طي تحقيقات سازمان‌هاي اطلاعاتي آمريكا از عاملان حادثه مذكور، برخي دروس ابوقتاده در منزل استيجاري آنها در هامبورگ كشف گرديد.[18] فتواهاي ابوقتاده كه پايبند به مكتب فكري القاعده است، تا كنون در جنگ هاي خونين الجزاير، لبنان، عراق، افغانستان، سوريه و ... باعث ريخته شدن خون هزاران نفر از مردم بي گناه شده است.

- «عمر بكري محمد فستق»

ملقب به «آيت ا تاتنهام» از رهبران سلفيت جهادي است كه در سال 1958م در استان حلب سوريه متولد شد[19]. تحت عنوان "المهاجرون" (2003م) و سپس "جنبش بنيادگرايان غريب" (2005م) را تاسيس نمود. در سال 2005م چهار نفر از پيروان بكري اقدام به انجام عمليات انتحاري در لندن نمودند كه منجر به كشته شدن 52 شهروند انگليسي شد. پس از اين اقدام، عمر بكري به لبنان بازگشت و در حال حاضر به صورت مخفيانه زندگي مي كند[20]

راه حل هاي تعديل و اصلاح انديشه ي تكفيري

_ بازخوانی مفهوم اسلام و تعيين حدود اسلام حداقلی :

مفهوم اسلام در قرآن، تسليم بودن دربرابر خدا است. (آل عمران /19)

_ تبيين ضرورت دينی و تفكيک آن از ضرورت مذهبی :

شيخ انصاري مي گويد: ضروريت دين چيزي است كه بدون ترديد جزء دين است؛ هر حكمی كه مسلمانان آن را

جـزء دين مي دانند مانند وجوب نماز و روزه است .(انصاري/329)

_ آميختنعقيده و فكر با اخلاق :

پيامبر(ص) فرمودنـد: مـدارا و نرمـی بـا مـردم نصـف ايمـان و دوستی با آنان نيمی از زندگی است. امام صـادق (ع)از پيامبر(ص) نقـل نمـوده كـه فرمودنـد: پروردگارم مرا به مداراي با مردم امر كرد، همان گونه كه به اداي فـرايض امـر كـرد (كلينيج 2، ص117)

نتايج

با در نظر گرفتن آنچه گفته شد روشن مي گردد كه :

اصل كفر به معناي پوشاندن شئي بوده و كافر كسي است كه كفر، تمام قلب او را پوشانده باشد. ولي تكفير به اين معنا است كه شخصي به برادر مسلمان خود، كافر بودن را نسبت دهد كه در قرآن و روايات نفي اين اصل بسيار تاكيد شده است. اين پديده به يک اصلي خطرناک براي جامعه ي اسلامي تبديل گشته است زيرا تكفيري ها و رهبران آن ها بر اين باورند كه شيعيان و اهل سنت قرآن را تحريف كرده اند و تنها عقايد پوچ خودشان ارجعيت دارد. آن ها با انجام فعاليت هايي چون محور قرار دادن تكفير در معاملات، عدم اعطاي حق اظهار نظر به ديگران، كشتار جمعي، شركت كردن در مشوه ساختن چهره ي اسلام، تجزيه ي جغرافيايي كشورها و خطرناک تر از آن تفرقه افكني در ميان مسلمانان، تبليغات از راه هاي مختلف از جمله استفاده از رسانه ها و استفاده از عامه ي مردم بي گناه به وسيله ي شست وشوي مغزي، القاي فتوا و وعده هاي دروغين بهشتي براي جذب نيروهاي خود به هدف انجام جنايت هاي تكفيري ها به منظور خدشه دار شدن چهره ي اسلام در جهان و نابودي زيرساخت هاي كشورهاي اسلامي شده و در نتيجه اسلام در جهان به دين خشونت تبديل گشته است. بنابراين راه مبازه با تكفير فقط نظامي نبوده بلكه در كنار آن بايد راه فرهنگي نيز وجود داشته باشد.

[1] bayynat.ir

[2] shabestan.ir

[3] newsibn.com

[4] hamshahrionline.ir

[5] hajnews.ir

[6] siasi.porsemani.ir _ mashreghnews.ir / بست-نقش-سعودی-پرچم-بر-شمشیر-چرا

[7] dar.bibalex.org

[8] adyannet.com

[9] shamela.ws/browse.php1

[10] عنايت، حميد؛ سيري در انديشهي سياسي عرب، تهران، سپهر، 1363، چاپ سوم، ص 80

[11] eslahe.com

[12] kalami.nashriyat.ir

[13] أعضاء ملتقي أهل الحديث ،المعجم الجامع في تراجم العلماء و طلبة العلم المعاصرين، (قسمت حرف ميم محمد ناصر) ص ۳۲۱، مكتبه الشامله

[14] aghaedeshie.ir/fa/albani

[15] mashreghnews.ir

[16] ar.wikipedia.org

[17] islamist-movements.com

[18] alalam.ir/news

[19] ar.wikipedia.org

[20] islamist-movements.com

منابع

- قرآن كريم
- نهج البلاغه
- كد خبر : 20949 ازسايت ir.didban
- مسلم بن حجّاج، صحيح مسلم، دار احياء التراث العربي، بيروت، چاپ دوم.
- محدث نوري، مستدرک الوسايل، مؤسسة آل البيت، بيروت، چاپ اول، ج 9.

- الكافى، ج ۲، كتاب الايمان و الكفر
- كتاب بررسي تكفير در نگاه مذاهب اسلامي – جلد 1 –رجبي، حسين
- فضل بن شاذان نيشابوري، الايضاح، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، 1363.
- ابن ابي الحديد، شرح نهج البلاغه، قم ۱۴۰۴
- ابن اعثم كوفي، كتاب الفتوح، چاپ علي شيري، بيروت ۱۴۱۱/۱۹۹۱
- ابن طاووس، الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، چاپ جلال الدين حسيني، قم ۱۴۰۰
- ابن قتيبه، الامامة و السياسة، المعروف بتاريخ الخلفاء، قاهره ۱۳۸۸/ ۱۹۶۹، چاپ افست قم ۱۳۶۳ ش
- رسول جعفريان، تاريخ سياسي اسلام: تاريخ خلفاء، قم ۱۳۷۷ ش
- حرّ عاملي
- دهخدا
- عبدالرحمان بن ابي بكر سيوطي، تاريخ الخلفاء، بيروت ۱۳۹۴/ ۱۹۷۴
- نوراللّه بن شريف الدين شوشتري، الصّوارم المهرقة في نقد الصّواعق المحرقة، چاپ جلال الدين محدث ارموي، تهران ۱۳۶۷
- محمدبن عبدالكريم شهرستاني، الملل و النحل، چاپ محمد سيدكيلاني، قاهره ۱۳۸۷/۱۹۶۷
- مجلسي
- حسن بن موسي نوبختي، فرق الشيعة، چاپ محمدصادق آل بحرالعلوم، نجف ۱۳۵۵/۱۹۳۶

- محمود عبدالرحمان عبدالمنعم، معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهية، قاهره ۱۹۹۹
- محمدبن محمد مفيد، الفصول المختارة من العيون و المحاسن، قم ۱۴۱۳
- الموسوعة الفقهية، ج ۱۳، كويت: وزارت الاوقاف و الشئون الاسلاميه، ۱۴۰۸/ ۱۹۸۸
- محمدبن يعقوب فيروزآبادي، القاموس المحيط، بيروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷
- عبداللّه عيسي ابراهيم غديري، القاموس الجامع للمصطلحات الفقهية، بيروت ۱۴۱۸/ ۱۹۹۸
- طبري، تاريخ (بيروت).
- صحيح بخاري جلد هشتم ،كتاب الديات ،باب القسامة
- استفتائات لجنه عالي افتاء عربستاني سعودي جلد 18
- أنصاري، على بن أبى يحيى، صراط النجاة ،قم ،1373
- كلينى،الروضة من الكافي، دارالكتب الاسلاميه، تهران، 1389
- تفسير ابن كثير جلد 4
- تفسير قرطبي جلد 16
- بها بن ابي الديج جلد 13
- ابن منظور، محمد بن مكرم ،لسان العرب ، ادب الحوزة، قم، 1405
- مرتضىزبيدي، محمد، تاج العروس من جواهرالقاموس ،تحقيق : مجموعة من المحققين، دارالنشر، بى جا، بىتا.

[1] (س) زهرا فاطمه پردیس فرهنگیان دانشگاه استاد / hasanjvadinia@yahoo.com

[2] (س) زهرا فاطمه پردیس فرهنگیان دانشگاه دانشجو / hasti.mmh.2@gmail.com